



شهرها با نگاهی زنانه بازطراحی شود

گفت‌وگو با شهناز رمارم، نایب‌رئیس کمیسیون حمل‌ونقل و ترافیک شورای شهر مشهد

تهیه و تنظیم: آمنه شیرافکن

است تا در مشهد با قالب سنتی رایج و متداول آن برای رفع تبعیض از زنان بکوشد. گفت‌وگو با او را درباره کیفیت زندگی شهری بخوانید.

چه عواملی کیفیت زندگی را می‌سازند؟

کیفیت زندگی شهری معادل داشتن احساس خوب از زندگی شهر است. کیفیت زندگی شامل جنبه‌های عینی و ذهنی می‌شود. در جنبه عینی، مسائلی مثل اقتصاد یا سطح رفاه خانوادگی، سلامت فردی و خانوادگی، دسترسی به امکانات شهری و رفت‌وآمد ایمن در شهر مد نظر است. در بُعد ذهنی نیز نوع نگرش به زندگی در شهر، احساس تعلق، احساس امنیت و حس رضایت از زندگی در شهر طرح می‌شود. کیفیت زندگی به قابلیت شهر برای زندگی هم گفته می‌شود و شاخص‌هایی مثل کیفیت آب و هوا، دسترسی به امکانات درمانی و تفریحی، همسایگی و مسائلی از این دست مورد نظر است که تجربه‌ای مشترک برای ساکنان شهر پدید می‌آورد. در پس این تجربه مشترک، احساس تعلق و خاطره‌های مشترکی به وجود می‌آید که سبب افزایش سطح رضایت‌مندی از زندگی در آن شهر می‌شود. در واقع، کیفیت زندگی شهری به کفایت امکانات اقتصادی، سیاسی و الزامات اجتماعی یک شهر بستگی دارد که شهر را به سمت پایداری یا ماندگاری پیش می‌برد. منظور

شهناز رمارم سال‌هاست در عرصه سیاست و فرهنگ فعالیت دارد. در حوزه فرهنگ همیشه معلمی کرده و دستی در کار رسانه داشته و در حوزه سیاست همواره در کنار گفتمان اصلاح‌طلبی ایستاده است. او مسئول مجمع زنان اصلاح‌طلب شاخه خراسان است و با کسب ۲۵۳ هزار رأی در انتخابات شوراهای توانست به‌عنوان نفر دوم به شورای شهر مشهد وارد شود. شهناز رمارم دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی است. در سوابق کاری او تجربه‌های مختلفی می‌بینیم. رمارم مشاور زنان مدیرکل آموزش و پرورش خراسان و عضو کمیسیون بانوان استانداری خراسان بوده. همچنین در کارنامه او سمت‌های دیگری از جمله مشاور رسانه‌ای مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی، معاون آموزش ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش مشهد، سرپرست روزنامه دنیای اقتصاد و نایب‌رئیس پارلمان معلمان خراسان دیده می‌شود. رمارم به فعالیت‌های مدنی و اجتماعی باور دارد و سال‌ها تلاش کرده



عکس: کاوه ذکریایی نژاد
منبع: کتاب اولین دوره مسابقه عکاسی جستجوی کیفیت در شهر از دریچه تصویر (۱۳۹۵)

ایجاد کنند، همچنان که فضاها و امکانات مربوط به بزرگسالان برای کودکان و همین‌طور معلولان و بیماران رضایت و امنیت نمی‌آورد. به‌طور حتم، آنها رضایت خاطر و بالا بودن کیفیت زندگی را از کالبدهایی که برای افراد سالم طراحی شده است به دست نمی‌آورند.

یکی از نسخه‌های تجربه‌شده در ایران احداث پارک‌های ویژه زنان بوده است. فکر می‌کنید این سیاست‌ها در زمینه توزیع برابر فرصت‌ها تأثیرگذار است؟ از سوی دیگر، آیا این مسئله در ارتقای سطح رضایت زنان از کیفیت زندگی شان مؤثر خواهد بود؟

من با جداسازی زنان و مردان با نگاه ایدئولوژیک مخالفم. جداسازی با این نگاه پیام عدم احترام و اطمینان را به شهروندان (مؤمنان) می‌دهد. ایمان امری درونی و قلبی است و با کنترل‌کننده‌های بیرونی قابل جمع نیست. تجربه بشری هم نشان داده که هر جا ایمان با کنترل‌کننده‌های بیرونی در هم آمیخته عصبان و دلزدگی از دین را به وجود آورده است. ایمان از درون می‌جوشد و با عشقی از درون حفظ و تقویت می‌شود.

اما به هر حال ما به فضاهایی برای آرامش و احساس امنیت همه شهروندان با سلیقه‌های مختلف نیاز داریم. اگر جداسازی به‌منظور حفظ کرامت تعدادی از شهروندان است و نبودن آن احساس امنیت آنها را به هم می‌زند، خوب است در پارک‌ها و مکان‌های عمومی فضاهایی برای کسانی (زن یا مرد) که تمایل دارند خارج از برخی دغدغه‌ها ساعتی را به تفریح و حتی تفکر بپردازند، در نظر گرفته شود. این فضاها در طراحی‌های اولیه پارک‌ها در نظر گرفته خواهد شد و فضاهای ایمنی برای همه فراهم خواهد کرد.

از امکانات سیاسی، ساختار مناسب شهر است که کیفیت مدیریت آن را رقم می‌زند.

می‌بینیم که هر دو جنبه عینی و ذهنی مهم هستند و بُعد نگرش‌ها و ادراکات مردم را از چگونگی خدمات و امکانات شهری نیز شامل می‌شوند. ممکن است محله یا شهری به‌لحاظ امکانات خوب باشد و مردمش متمول باشند، اما به‌دلیل نگرش‌های منفی یا متزلزل (که ممکن است ریشه‌های متعددی داشته باشد) رضایت‌مندی از زندگی در شهر پایین باشد و کیفیت زندگی تنزل کند، مثل وجود فاصله یا احساس وجود فاصله بین شهروندان و مدیران شهری، اعتماد نداشتن شهروندان به مدیران شهری، و احساس هدررفت عوارض پرداختی به شهرداری.

شهر محلی برای رشد استعدادهای درونی و کار و زندگی شهروندان است. در واقع، شهر بستری است که استعدادهای شهروندان در آن شکوفا می‌شود و مطابق با همان شکوفایی، انتظار ارائه و دریافت خدمات به شهر و از شهر وجود دارد. بدین ترتیب، جنبه‌های عینی و ذهنی زندگی در هم تنیده شده‌اند. استعدادهای افراد، به‌علاوه کالبدها و امکانات شهری، نگرش‌ها و سطح کیفیت زندگی را می‌آفرینند و در مقابل، نگرش‌ها و ارزش‌های فردی نوع بهره‌وری از فضاها و امکانات شهری و حتی چگونگی آنها را رقم می‌زنند.

تکلیف تفاوت نگاه زنان و مردان به مقوله کیفیت زندگی چه می‌شود؟

ببینید، اینجا یک مسئله اساسی وجود دارد و آن تفاوت نگاه مردانه و زنانه است. نباید انتظار داشته باشیم که کالبدها و امکانات مردانه برای زنان نیز حس تعلق، امنیت و رضایت‌خاطری مساوی با مردان

از نگاه شما مفهوم کیفیت زندگی بیشتر تحت تأثیر ساختار و بستر اجتماعی است یا روح و روان فرد و شاخصه‌های فردی؟ فکر می‌کنید مسائل ذهنی و درونی شهروندان چطور بر شکل‌گیری کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارد؟

عواملی که بر کیفیت زندگی زنان تأثیر دارند متنوع‌اند. عوامل عینی عبارت‌اند از فضاهای ایمن در شهر، روشنایی مناسب خیابان‌ها در شب، کوچه‌های ایمن که چشم شب (چراغ‌های روشن، یا پنجره‌های روشن مشرف به خیابان و کوچه) دارند و احساس امنیت می‌آورند، وسایل رفت و آمد مناسب و ایمن، رفت و آمد مکفی نیروهای انتظامی و پلیس شب به‌ویژه در خیابان‌های خلوت و کوچه‌ها، و فضاهایی که امکان شکوفایی استعداد‌های زنان را همپای مردان فراهم آورند. بعضی از ساختمان‌های اداره‌ها دالان‌های بلند و گاه تودرتویی دارند که محل امنیت و احساس آن برای زنان و کودکان هستند. عوامل ذهنی هم عبارت‌اند از نگرش افراد مؤثر بر شهر به زنان، احساس تعلق در پی پدید آوردن خاطره‌های خوش و ایمن برای زنان، مثل پایداری محله‌ها و بافت‌های قدیمی، المان‌های مناسب احساس و تفکر زنانه، میلمان‌های مناسب برای زنان و مسائلی از این دست که طرح آنها به مطالعات تخصصی و کارشناسانه نیاز دارد. ما برای طراحی شهر به متخصصان مختلفی از جمله مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیاز داریم تا نکات مهم و کاربردی را تذکر بدهند. شهر ظرفی نیست که اگر چیزی در آن جا نشد ابعادش را عوض کنیم. شهر محل سرزندگی و آفرینش حیات است. پس باید متناسب با ویژگی‌های انسانی ساخته شود تا زندگی را بیافریند و حفظ کند. در توسعه انسانی و توسعه پایدار هم مسائلی این‌چنین طرح می‌شود.

ساختار قدرت رسمی چطور می‌تواند برای ارتقای کیفیت زندگی زنان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کند؟

برای ارتقای زندگی زنان قبل از هر چیز باید از خود زنان و روان‌شناسی زندگی زنانه و خانواده استفاده کرد. هیچ‌کس در جایگاهی نیست که بتواند راه‌های ارتقای زندگی زنان را تعیین کند، جز تیمی با مدیریت زنانه و متشکل از متخصصان مختلفی که هم می‌توانند زن باشند و هم مرد. البته تعدادی از این متخصصان زنانی هستند که تجربه‌های مختلف زندگی در شهر را دارند. بدین‌گونه ما می‌توانیم تئوری‌های ذهنی را به تجسم‌های عینی تبدیل کنیم

و فضای شهری انسانی به وجود بیاوریم.

به‌عنوان عضو شورای شهر مشهد فکر می‌کنید تقسیم فرصت‌های برابر شهری بین زنان و مردان چگونه بوده است؟ در این زمینه خاطر مهم هست که هنگام دعوت اعضای شورای شهر به استادیوم رضوی از خانم‌های نماینده دعوت نشد.

متأسفانه به دلایل مختلف سرانه فضاهای شهری میان زنان و مردان به‌صورت برابر تقسیم نشده است. در همین زمینه ما بر بودجه‌نویسی جنسیتی تأکید کرده‌ایم. با مطرح کردن این مفهوم در پی این هستیم که بتوانیم مسائل مرتبط با بودجه‌ریزی در نظام مدیریت شهری را به سمت دیده شدن نیازهای زنان ببریم. ماجرای استادیوم رضوی از این نظر برای من عضو شورای شهر مهم بود که در فضایی که با بودجه عمومی ساخته شده زنان حاضر در سطح قدرت رسمی جامعه حضور ندارند، چه برسد به عموم زنان جامعه. این مسئله برای ما نگران‌کننده است، به‌ویژه اینکه دختران نوجوان ما برای تخلیه انرژی به مکان‌های ورزشی و سلامت و شادمانی نیازمندند. حالا این پرسش مطرح است که آیا سرانه ورزشی به‌صورت مناسب و به میزان کافی در اختیار آنها قرار داده شده است یا نه. ماجرای استادیوم و هر فضای عمومی دیگر در شهرها و شهرستان‌ها از نظر توسعه کیفیت زندگی شهروندان مهم است، اما مهم‌تر این است که بودجه عمومی کشور چقدر میان همه افراد جامعه برابر توزیع شده است. دعوت نکردن از نمایندگان زن عضو شورای شهر مشهد به استادیوم از این نظر محل سؤال و نقد است که گویی حضور زنان در فضاهای عمومی به سلیقه و مجوز برخی تغییر می‌کند. امیدوارم شورای شهر مشهد بتواند در نظام بودجه‌ریزی و تقسیم مناسب فرصت‌ها میان تمام شهروندان کارنامه قابل قبولی ارائه دهد.